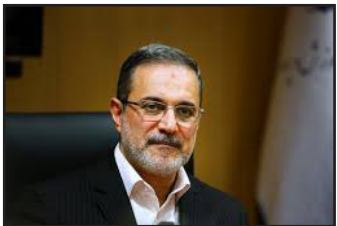


اخبار اجتماعی

زورمان به حذف کنکور نرسید



بطحائی با بیان اینکه برنامه درسی به شدت در معرض تهدید از سوی دایه‌های مهربان‌تر از مادر قرار گرفته است، گفت: متأسفانه امروز کلاس‌ها و آزمون‌های کنکوری و حجم کتاب‌های کمک آموزشی، برنامه درسی را تحت‌الشعاع قرار داده، این در حالی است که برخی از این کتب از حداقل استانداردهای بر خور دار نیستند.

وی افزود: در مسیری افتاده‌ایم که معلم و کارشناس برنامه آموزشی تلاش کرده تا حس پرسشگری را در دانش‌آموزان شکوفا کند، اما یک مؤسسه غیر حرفه‌ای می‌آید و یک کتاب حل‌المسائل ارائه می‌دهد و همه نقشه‌های ما را نقش بر آب می‌کند. وی ادامه داد: هر چند هنوز زورمان به این موضوع در دبیرستان نرسیده و کنکور هنوز سر جایش خودش است. در واقع تا کنکور باشد فسادهای چند میلیارد تومانی نیز سر جایش باقی است. بطحائی با بیان اینکه استفاده و توصیه به کتب حل‌المسائل، بر گزاری آزمون‌های پیشرفت تحصیلی و سنجش هوش و استعداد در دوره ابتدایی به جد بر خور د می‌کنیم گفت: مدیر مدرسه مسئولیت مستقیم این امر را بر عهده دارد.

یش از دوهزار خانه

در سیل اخیر ویران شد

معاون عمرانی استانداری مازندران از تخریب ۸۰ واحد مسکونی روستایی بر اثر سیل در مازندران خبر داد و گفت: به بیش از ۲۰۰۰ واحد مسکونی در این استان از ۳۰ تا ۶۰ درصد آسیب وارد شده است.

علی نبیان با اشاره به میزان خسارت‌های جانی و مالی وارد شده متأثر از سیل در این استان، اظهار کرد: میزان خسارت وارد شده متأثر از سیل روز جمعه و شنبه ۱۳ و ۱۴ مهرماه در مازندران، ۷۰۵ میلیارد تومان برآورد شده است. وی تصریح کرد: برآورد این میزان خسارت وارد شده در حوزه زیرساخت‌ها شامل آبیه، پل‌ها، راه‌آهن‌های روستایی، واحدهای مسکونی آسیب دیده و خسارت وارده به بخش کشاورزی شامل آبی زوری، دام و طیور بوده است.

نبیان خاطر نشان کرد: با توجه به بازدید معاون رئیس جمهور و تصویب هیات دولت، پس از شناسایی تمامی واحدهای مسکونی آسیب دیده و از طریق بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، منابع تأمین و به مردم پرداخت می‌شود. معاون عمرانی استانداری مازندران با بیان اینکه تمام شهرهای مازندران درگیر عوامل ناشی از سیل بودند، خاطر نشان کرد: این حادثه ۵ فوتی و ۳ مصدوم داشت اما این فوتی‌ها مستقیماً در اثر وقوع سیل نبوده است.

ورودی زندانیان مهریه

دو برابر خروجی!

حجت الاسلام حسن نوروزی سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس در سخنانی با اشاره به افزایش دوبرابری زندانیان مهریه نسبت به مدت مشابه سال گذشته گفت: هم‌اکنون طبق آمار ستادیه بیش از ۴۲۰۰ بدهکار مهریه در زندان‌های کشور حضور دارند و بسیاری هم در آستانه ورود به زندان هستند که برای حل این معضل شایسته است چاره‌ای قانونی اندیشه شود.

وی با اشاره به نظرات متعددی که این روزها در حوزه پیشگیری از ورود این بدهکاران مالی به داخل بندهای زندان مطرح شده است، افزود: سال گذشته ۲۵۰۰ زندانی مهریه به کمک‌های خیرخواهانه خیرین و با تلاش ستادیه کشور از زندان‌ها رهایی یافتند امید است از این به بعد لاقفل در این بخش ما شاهد حبس جوانانی از این سرزمین نباشیم اما امسال بانوسانات قیمت سکه شاهدیم بیش از ۴ هزار زندانی مهریه جای آن‌ها را در زندان‌ها پر کرده‌اند که این تعداد پرونده قضایی به دنبال یک سنت حسنه و فرهنگی زبینه نظام مقدس اسلامی نیست.

وی خاطر نشان کرد: کمک به زندانیان مهریه صرفاً نباید معطوف به جلب مشارکت‌های مردمی باشد که البته ورود در این امر صرفاً بر عهده یک نهاد یا سازمان نبوده و مجموعه‌های متولی باید ستادیه را در کنار حمایت در راستای جمع‌آوری کمک‌های خیرین در امر آموزش و پیشگیری هم‌پاری کنند. ما در حال حاضر قوانین بسیاری داریم که هنوز اجرایی نشده و از این جهت مشکلات بسیاری سراهاست اما از این جنبه عمومی نیز نباید غافل بود.

درمان آشفتگی‌ها

آنومی‌های اجتماعی، بدون

در نظر گرفتن بسترهای

تولیدکننده آن‌ها، ناممکن

است. توسل به مواردی

چون دخالت نیروی

انتظامی، شبیه استفاده از

مسکن برای یک بیماری

مزمن است

اجتماعی، در پیش گرفتن رویکرد انتقادی به هر مسأله‌ای که از بیرون به او القا می‌شود، ترجیح مصالح فردی به جای مصالح جمعی، عدم پیروی و تبعیت از بزرگ‌تراها، ورود گسترده زنان به اجتماع، فراگیر شدن اندیشه‌های برابری زنان و مردان، استقبال از روابط دو جنس، ارزش شدن روابط عمیق دو جنس، استقبال از تجربه‌گرایی، پذیرش اندیشه رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی، استقبال از مد و مدگرایی، سنت شکنی و... را می‌توان افزود. به این ترتیب، گسست و شکاف نسلی، یکی از اتفاقات مهم در جامعه ماست.

قرائت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی جوان امروز با نسل قبل و نیز حاکمیت، بسیار متفاوت است. بین نسل جوان و نسل قبل و حاکمیت، نوعی انقطاع گفتمان اتفاق افتاده است. درمان این آشفتگی‌ها و آنومی‌های اجتماعی، بدون در نظر گرفتن بسترهای تولیدکننده آن‌ها، ناممکن است. توسل به مواردی چون دخالت نیروی انتظامی، شبیه استفاده از مسکن برای یک بیماری مزمن است.

دکتر محمد صنعتی در این زمینه به مورد جالب و قابل تاملی اشاره می‌کند: شیوع مرگ‌اندیشی در جامعه! لذت و شادی و خنده در چنین فضایی یا ناکام است و ممنوع و حرام. عزاداری‌های جمعی و پر سر و صدا با ستایش پیکر زیبا و بی‌جان قهرمان.

در شعر شاعران و حماسه‌سرایان لذت و هیجان از تماشای مرگ و مراسم اعدام و دعوای خشونت‌بار و خونین، لذت‌آشامی خون‌یاهر حادثه خونبار یا ویرانگر دیگر مانند تصادفات، آتش‌سوزی، تخریب و هر آن‌چه به صورت نمادین معنای مرگ و نابودی دارد.

ستایش خشونت و پر خاشگری و جنگ، پر خاشگری به مثابه یک ارزش، که در جامعه ما حتی ارزشی والا برای احقاق حق، برقراری عدالت، و رفتارهای دفاعی و تطبیقی دارد.

در نتیجه مادر جهان اکنون

بیش و پیش از هر چیزی با فرهنگ به‌عنوان یک متغیر مستقل و تأثیرگذار یا عامل تعیین‌کننده زندگی روبه‌رو هستیم.

ولی در تجربه واقعی زندگی مردم مشاهده می‌کنیم که اولاً وجه نمادین و معنایی زندگی بیش از هر زمانی دیگری اهمیت یافته است. این اهمیت یافتن نه تنها در حوزه گسترش مصرف کالاها و فرهنگی است. زندگی اقتصادی، زندگی اجتماعی و زندگی سیاسی تک‌تک مردم روز به روز به صورت نوعی مسأله فرهنگی درآمده است.

فرهنگ زیرزمینی

همه چیز منهای همه چیز

زندگی زیرزمینی با فرهنگ خاص خودش، تقریباً با زندگی معمولی فرد یا افراد، در جامعه تفاوت‌ها و گاه تضادهای بسیاری دارد. این زندگی موسیقی، نقاشی، فیلم، سبک و سیاق معاشرت، پوشش و حتی غذا و نوشیدنی خاص خودش را دارد که نمونه‌اش را به راحتی نمی‌توان در بستر اجتماع حاکم، پیدا کرد. اما تمام تلاش این زیست زیرزمینی بر آن است که هم‌چنان از دسترس غیر و «دیگری» که معمولاً شامل حاکمیت می‌شود، دور و محفوظ بماند. در مقابل، این زیست زیرزمینی، سعی می‌کند تمام مظاهر زیست بیرونی را از خود حذف کند.

در مورد این آنومی و آشفتگی فرهنگی، دکتر مرتضی منطقی به موارد جالب توجهی اشاره می‌کند: در تحول‌های فرهنگی مؤثر بر سبک زندگی جوان ایرانی، می‌توان به موارد قابل تاملی چون افسردگی اجتماعی، هیجان‌جویی مرضی، عشق بیمارگون، پناه بردن به فضای مجازی می‌توان اشاره کرد. علاوه بر این، موارد دیگری مانند ارتباط عاطفی اندک با جنگ و انقلاب، استقبال از فرهنگ فردگرا، به جای فرهنگ جمع‌گرا، هنجار آفرینی‌های جدید، تأثیرپذیری گسترده از اینترنت، ماهواره، تلفن همراه و بازی‌های کامپیوتری، کنار نهادن نظریه تهاجم فرهنگی و پذیرش نظریه تبادل فرهنگی، استقبال از الگوهای عمدتاً خارجی، استقبال از فرهنگ جهانی، مقاومت فرهنگی (در برابر سیاست، در پوشش و رفتارهای فرهنگی مانند استفاده از مدها و پوشش‌های غیر متعارف، برخورد لجاجت‌آمیز با نامداهای نظام و...) در این عرصه قابل توجه است. به همه این موارد اضافه کنید رویکردهای متفاوت علمی، فرهنگی، هنری و

بررسی‌های تجربی موجود در باره جامعه ایران، مانند بسیاری جوامع دیگر اغلب نشان می‌دهد که شاخص‌های کلاسیک تعریف پایگاه اجتماعی، در واقعیت دیگر چندان نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل دادن به رفتارها و واقعیت‌های جامعه ندارند. چیزی که امروزه بیش از گذشته تأثیر گذار است عمدتاً تحصیلات، مصرف فرهنگی و هنری، سبک زندگی و تجربه‌های صحبت می‌کنیم به نظر می‌رسد در باره چیزی صحبت می‌کنیم که دیگر وجود ندارد.



زیست دوگانه، همراه

با دو هویت جداگانه،

فشارهای بی‌حدی بر

انسان ایرانی وارد می‌کند

وازا و موجودی چهل تکه

می‌سازد؛ موجودی که این

روزها به راحتی می‌تواند

ریشه‌هایش را بگذارد و

برود، چون اساساً نمی‌تواند

نسبت به جایی احساس

وابستگی فرهنگی داشته

باشد

دادن معنایی تازه و منحصر به فرد برای زندگی خود است. دگرگونی در تحول ارزش‌ها، از ارزش‌های اجتماع‌گرایانه به سوی ارزش‌های فردگرایانه، توسعه تکنولوژی‌های فردگرا و سوزهمحور مانند موبایل و آزادتر شدن سوزه انسانی از محدودیت‌های طبیعی و اجتماعی و به‌ویژه گسترش فرصت‌های زندگی و افزایش دامنه انتخاب‌های فردی در جهان امروز و بسیاری تحولات فرایندهای عمومی فرهنگ باعث شده است که چالش بر سر معنا و قدرت و عاملیت فردی، چالش بر سر خلاقیت و قدرت تأثیرگذاری فرد روز به روز جدی‌تر، عمومی‌تر و شدیدتر شود.

در تولید و بازتولید این فرهنگ، فرهنگ غالب و دولتی، تقریباً هیچ نقشی ندارد و اگر هم نقشی داشته باشد، بیشتر بازدارنده است که موجب تشدید و تحدید آن می‌شود. چون انسان ذاتاً موجودی است که از هر چیزی منع شود، به‌سوی آن‌گرایی بیشتری پیدا می‌کند و خوب در جامعه ما، مسائل ممنوعه زیادی وجود دارد (به شکل سنتی یا مذهبی) که امروز اغلب جوانان، نسبت به آن‌ها کم‌یاسی‌توجه شده‌اند. از نظر فاضلی، هر انسانی با توجه به مجموعه امکانات، ابزارها، فناوری‌ها، موقعیت‌هایی که در آن زندگی می‌کند و تغییرات و تجربه‌های جدید، خواهان شکل

اجتماعی اعم از فرادست و فرودست، طبقه متوسط یا بالاتر و پایین‌تر از آن، به هر حال به‌عنوان مصرف‌کننده فرهنگی و هنری و به‌عنوان عاملین اجتماعی تصمیم‌گیرنده در پناه فناوری‌هایی مانند موبایل، اینترنت و شبکه‌های رسانه‌ای ماهواره‌ای به تدریج در حال عبور از شاخص‌های پایگاه اجتماعی - اقتصادی خود هستند. به نظر می‌رسد که در چنین دنیایی، آرزوها، آمال و انتظارات همه گروه‌های اجتماعی کمابیش مشابه یکدیگرند.

بررسی‌های تجربی موجود در باره جامعه ایران، مانند بسیاری جوامع دیگر اغلب نشان می‌دهد که شاخص‌های کلاسیک تعریف پایگاه اجتماعی، در واقعیت دیگر چندان نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل دادن به رفتارهای و واقعیت‌های جامعه ندارند. چیزی که امروزه بیش از گذشته تأثیرگذار است عمدتاً تحصیلات، مصرف فرهنگی و هنری، سبک زندگی و تجربه‌های فرهنگی مردم است. در چنین شرایطی است که ما وقتی از مسأله اجتماعی صحبت می‌کنیم به نظر می‌رسد درباره چیزی صحبت می‌کنیم که دیگر وجود ندارد. حتی حادثه‌ترین مسائل اجتماعی مانند اعتیاد، زنان خیابانی و فقر امروزه تحت تأثیر جریان چرخش فرهنگی یا فرهنگی شدن یعنی بیش از آن که اموری اجتماعی باشند فرهنگی‌اند. در تولید و بازتولید این فرهنگ، فرهنگ غالب و دولتی، تقریباً هیچ نقشی ندارد.

در تولید و بازتولید این فرهنگ، فرهنگ غالب و دولتی، تقریباً هیچ نقشی ندارد و اگر هم نقشی داشته باشد، بیشتر بازدارنده است که موجب تشدید و تحدید آن می‌شود.

چون انسان ذاتاً موجودی است که از هر چیزی منع شود، به‌سوی آن‌گرایی بیشتری پیدا می‌کند و خوب در جامعه ما، مسائل ممنوعه زیادی وجود دارد (به شکل سنتی یا مذهبی) که امروز اغلب جوانان، نسبت به آن‌ها کم‌یاسی‌توجه شده‌اند. از نظر فاضلی، هر انسانی با توجه به مجموعه امکانات، ابزارها، فناوری‌ها، موقعیت‌هایی که در آن زندگی می‌کند و تغییرات و تجربه‌های جدید، خواهان شکل

او موجودی چهل تکه می‌سازد. موجودی که این روزها به راحتی می‌تواند ریشه‌هایش را بگذارد و برود، چون در آن زندگی و هویت دو گانه، آموخته است که اساساً نمی‌تواند نسبت به جایی احساس وابستگی فرهنگی داشته باشد، چون درونش پر از تعارض‌هاست. داریوش شایگان در کتاب «افسون زندگی جدید: هویت چهل تکه و تفکر سیار» به درستی نشان می‌دهد در همه جوامع از جمله ایران، اغلب انسان‌ها در حال زیستن در زیست‌جهان‌های چندگانه، متکثر، متضاد و متفاوت هستند. در نتیجه این زیست چندگانه و متکثر، هویت‌های چهل تکه‌ای در حال ظهور است که از راه پیوندزنی و چندرگه‌شدن انسان‌ها به وجود می‌آید. شهروندهای جهانی در حال ظهور است که از جاکنده شده و سرزمین‌زدا شده‌اند. و این فرایند در نتیجه جابه‌جایی نمادها، پیام‌ها، انسان‌ها و کالاها به وجود

امروزه حتی حادثه‌ترین

مسائل اجتماعی مانند

اعتیاد، زنان خیابانی و فقر

تحت تأثیر جریان چرخش

فرهنگی یا فرهنگی شدن

هستند؛ یعنی بیش از

آن که اموری اجتماعی

باشند فرهنگی‌اند. در

تولید و بازتولید این

فرهنگ، فرهنگ غالب

و دولتی، تقریباً هیچ

نقشی ندارد

می‌آید. زیست زیرزمینی و چندگانگی فرهنگی

دکتر فاضلی جامعه‌شناس، با توجه به موضوع بحث چنین می‌گوید: ما امروزه با نوعی چرخش فرهنگی مواجه هستیم. چرخشی که گاه جامعه، آن را طرد می‌کند و همین طرد، موجب می‌شود، این چرخش و واگرد، به لایه‌های زیرین جامعه پناه ببرد و در آن جا تکثیر شود. در دنیای امروز ما با این واقعیت روبه‌رو هستیم که گروه‌های



رئیس انجمن مددکاری ایران می‌گوید بر اساس آمار وزارت بهداشت، ۲۳ تا ۲۵ درصد از مردم ما دچار اختلال روانی هستند و البته این آمار در میان دانشجویان به ۲۷ درصد می‌رسد.

جدای از تمام مشکلات و بحران‌های اقتصادی - اجتماعی که گریبان‌گیر جامعه ما شده و به انحاء مختلف بر نحوه تعامل زیستی انسان ایرانی فشار وارد می‌کند و او را مجال‌تر و افسرده‌تر و در خودفرورفته‌تر کرده است، مسأله دیگری که در این میان خیلی کم به آن پرداخته شده، «فرهنگ» مردم است. فرهنگ مردم ما به‌خصوص در دو دهه اخیر، به شدت به سمت فردی، خصوصی و زیرزمینی شدن، گرایش پیدا کرده است.

در واقع ما با نسلی از جوانان روبه‌رو هستیم که در فعالیت‌های روزانه و اجتماعی، در مدرسه، دانشگاه یا محل کار (اگر کاری داشته باشند) به نوعی رفتار می‌کنند و سلوک خاصی را در پیش گرفته‌اند که با رفتار و سلوک‌شان در خانه و در جمع‌های فامیلی و دوستانه، بسیار متفاوت است. رفتار دوگانه، در طول سالیان دراز، در میان ایرانیان نهادینه شده است و این مسأله تازه‌ای نیست و گاه همین دوگانگی و داشتن زندگی خصوصی متفاوت، موجب می‌شود که در صورت افشا شدن، از سوی نهادهای کنترل‌کننده، مورد مواخذه و تنبیه قرار بگیرد. این دوگانگی فرهنگی - رفتاری، طبعاً آسیب‌های فراوانی به جامعه ما زده است و می‌زند.

ادامه روند این زیست دوگانه، طبعاً موجب ناهنجاری‌های روحی - روانی می‌شود. مگر انسان تا کی می‌تواند به یک زندگی دوگانه ادامه دهد؟ تا کجا می‌تواند این حد و مرزها را از هم جدا نگه دارد و نگذارد دستش رو شود؟ فرهنگ زیرزمینی، خواه ناخواه هویت ساز است. زیست دوگانه، همراه با دو هویت جداگانه، فشارهای بی‌حدی بر انسان ایرانی وارد می‌کند و از